



Explaining the Relationship between Charitable Participation and Happiness

Elham Shafaiimoghadam ^{a*}

^a Assistant Professor of Sociology, Department of Social Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran

Original Article

Use your device to scan and read the article online



KEYWORDS

**Participation
Charitable Activities
Happiness**

Received: 14 July 2024

Accepted: 16 March 2025

ABSTRACT

In recent years, the positive impact of participation in charitable activities on the happiness of the contributing individual has been widely acknowledged by the public, self-help groups, and social organizations. This is in contrast to some studies which suggest that happier individuals tend to be more generous and more actively involved in charitable activities. Based on this, the primary objective of this study is to examine the positive and cyclical feedback between participation in charitable activities and the feeling of happiness. This study is a survey-based research using descriptive-analytical methods. The statistical population includes all citizens aged 15 and above in the city of Kashan, and the sample size was estimated using the assumptions of the Sample Power software. Accordingly, 220 questionnaires were shared online within the statistical population and completed by the participants. The findings of the study show a positive and significant relationship between the level of participation in charitable activities and the feeling of happiness ($r = 0.359$), indicating that increased participation in charitable activities is associated with higher happiness levels in the community. Furthermore, the analysis of the recursive model suggests a bidirectional relationship between the two variables—participation in charitable activities and happiness—meaning that these variables mutually reinforce each other. The stability index of 0.247 also indicates the establishment of equilibrium in this relationship, referring to the continued and sustainable effect of this mutual influence between the variables.

The results of this study highlight the importance of participating in charitable activities to enhance happiness on both individual and societal levels. Therefore, it is recommended that policymakers and social institutions design programs to facilitate citizens' participation in charitable activities so that this positive cycle is reinforced within society.

* Corresponding author. Tel.: 09134585273

E-mail address: E.Shafaii.m@kashanu.ac.ir

DOI:

Received:; Received in revised form: ...; Accepted: ...

Article type:

©Author





تبیین رابطه مشارکت در امور خیریه و احساس شادی

الهام شفائی مقدم الف*

الف استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران E.Shafaii.m@kashanu.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
<p>در سال‌های اخیر تأثیر مثبت مشارکت در امور خیریه بر شادی فرد کمک‌کننده، در افکار عمومی، گروه‌های خودیاری و سازمان‌های اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته است. این امر در حالی است که برخی تحقیقات نشان می‌دهد افراد شاد سخاوتمندانه‌تر رفتار می‌کنند و بیشتر در امور خیریه مشارکت دارند. بر این اساس، هدف اساسی این پژوهش بررسی بازخورد مثبت و دایره‌ای شکل بین مشارکت در امور خیریه و احساس شادی می‌باشد. این مطالعه از نظر روش‌شناسی، یک تحقیق پیمایشی با استفاده از روش تحلیل توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان بالای ۱۵ سال شهر کاشان بوده و حجم نمونه بر اساس پیش‌فرض‌های نرم‌افزار Sample Power برآورد شده است. در این راستا، تعداد ۲۲۰ پرسشنامه به صورت آنلاین در جامعه آماری به اشتراک گذاشته شد و توسط شرکت‌کنندگان تکمیل گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بین میزان مشارکت در امور خیریه و احساس شادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($F=0/359$) که نشان‌دهنده این است که افزایش مشارکت در امور خیریه با افزایش سطح شادی در جامعه همراه است. علاوه بر این، تحلیل مدل بازگشتی بیانگر وجود یک رابطه دو سویه بین دو متغیر مشارکت در امور خیریه و شادی است، به این معنا که این دو متغیر به صورت متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند. شاخص ثبات $0/247$ نیز دلالت بر برقراری تعادل در این رابطه دارد، که به تداوم و پایداری اثر متقابل بین این متغیرها اشاره می‌کند. نتایج این پژوهش حاکی از اهمیت مشارکت در فعالیت‌های خیریه برای افزایش شادی در سطح فردی و اجتماعی است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و نهادهای اجتماعی برنامه‌هایی را برای تسهیل مشارکت شهروندان در امور خیریه تدوین کنند تا این چرخه مثبت در جامعه تقویت شود.</p>	<p>مشارکت امور خیریه احساس شادی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶</p>

۱- مقدمه

مشارکت در فعالیت‌های خیریه به‌ویژه اقداماتی که داوطلبانه و از روی انگیزه‌های درونی انجام می‌شوند، نقش برجسته‌ای در ارتقای رفاه ذهنی و شادی فرد ایفا می‌کند. مطالعات متعدد نشان می‌دهند که کمک به دیگران می‌تواند احساسات مثبتی مانند رضایت، ارزشمندی و خوشحالی را در افراد ایجاد کرده و در نتیجه رفاه اجتماعی را تقویت کند (آکنین و همکاران، ۲۰۲۲؛ ویلیانس و همکاران، ۲۰۲۳). بر اساس گزارش‌های اخیر، این نوع مشارکت‌ها نه تنها برای دریافت‌کنندگان بلکه برای اهداکنندگان نیز منافع روان‌شناختی دارند و می‌توانند در کوتاه‌مدت و بلندمدت به افزایش شادی و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها منجر شوند (گزارش جهانی شادی، ۲۰۲۳). تحقیقات نشان می‌دهند که مشارکت در خیریه می‌تواند چرخه‌ای مثبت ایجاد کند که در آن شادی اولیه باعث افزایش تمایل به انجام کارهای خیرخواهانه می‌شود و این رفتارها به نوبه خود موجب شادی بیشتر در فرد مشارکت‌کننده خواهند شد (آکنین و همکاران، ۲۰۲۲). این اثرات به‌ویژه در ارتباط با احساسات مثبت و رشد اجتماعی اهمیت زیادی دارند، به طوری که افراد با انجام اقدامات خیرخواهانه، حس تعلق اجتماعی و همبستگی جمعی را تجربه کرده و در نتیجه از نظر روان‌شناختی بهبود می‌یابند (ویلیانس و همکاران، ۲۰۲۳).

در این راستا، نظریه‌های نوع‌دوستی نشان می‌دهد که مشارکت در کارهای داوطلبانه و خیریه به افراد به اشکال مختلف پاداش می‌دهد که این امر در نهایت می‌تواند به رفاه ذهنی و شادی آن‌ها کمک کند (آندرتونی، ۱۹۸۸؛ و ۱۹۹۰). علاوه بر این، تئوری درخشش گرم نیز نشان می‌دهد وقتی افراد کمک‌های خیریه انجام می‌دهند، ممکن است از عمل بخشش سود ببرند (آندرتونی، ۱۹۹۰).

افراد از مشارکت در این امور رضایت درونی به دست می‌آورند که خود منجر به ارتقای بهزیستی روانی و شادی آن‌ها می‌شود. در حالی که بسیاری از تحقیقات بر این واقعیت متمرکز هستند که کمک کردن و بخشش، اهداکننده را خوشحال می‌کند (جاکومو دلی و جوزیه ویتوچی، ۲۰۲۲؛ وووآ همکاران، ۲۰۲۱؛ ژو، ۲۰۲۰؛ رولند و کاری، ۲۰۱۸؛ آکنین و همکاران، ۲۰۱۵). تحقیقات نسبتاً کمی برای بیان علت این امر وجود دارد. در این میان، شواهدی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد افراد شاد سخاوتمندانه‌تر رفتار می‌کنند و بیشتر در امور خیریه مشارکت می‌کنند (دیکرت^۷ و همکاران، ۲۰۱۱؛ ورهت و وندن پوئل، ۲۰۱۱؛ لی و همکاران، ۲۰۱۹). در واقع این رابطه می‌تواند به صورت دایره‌ای شکل بگیرد، به طوری که شادی منجر به افزایش مشارکت در امور خیریه می‌شود، این امر منجر به افزایش شادی شده و شادی بیشتر متقابلاً مشارکت بیشتر را در پی دارد. در این راستا، یافته‌های آنیک و همکاران (۲۰۰۹) این فرضیه را تأیید می‌کند که هزینه‌های اجتماعی و شادی هر کدام تقویت‌کننده یکدیگر هستند. علاوه بر این، نتایج مطالعه سوئیتس و هویت (۲۰۰۱) و فیلیاوین (۲۰۰۳) نیز نشان داده است که افراد شادتر احتمال بیشتری دارد که در فعالیت‌های خیریه و داوطلبانه شرکت کنند و متعاقباً، سطوح شادی بالاتری را از انجام این کار تجربه کنند.

اما، گفت‌وگو در مورد اینکه آیا رفتار اجتماعی باعث افزایش رفاه می‌شود یا خیر، به دوران یونان باستان برمی‌گردد. جایی که ارسطو استدلال می‌کرد هدف زندگی دستیابی به خوشبختی است. این مفهوم ارتباط نزدیکی با مفاهیم مدرن شادی دارد. به‌زعم ارسطو خوشبختی به‌عنوان یک تجربه لذت‌بخش، حالتی است که در آن فرد از انجام موفقیت‌آمیز وظایف اخلاقی خود احساس خوشحالی می‌کند (آنیک و همکاران، ۲۰۰۹).

1. Andreoni
2. Giacomo Degli & Giuseppe Vittucci,
3. Wu
4. Zhu
5. Rowland & Curry
6. Akinin
7. Dickert

علاوه بر این، نظریه ساخت و بسط احساسات مثبت فردریکسون (۲۰۰۱)، بر این مبنا استوار است که احساسات مثبت نه تنها در لحظه حال، بلکه در طولانی مدت نیز موجب بهبود عملکرد فردی می‌شوند. فردریکسون معتقد است که احساسات مثبت می‌توانند موجب گسترش آگاهی فردی و افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی شوند. به‌طور خاص، این احساسات باعث می‌شوند که افراد در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات زندگی، انعطاف‌پذیرتر و مقاوم‌تر شوند و مهارت‌های مقابله‌ای بیشتری پیدا کنند. بر خلاف احساسات منفی که واکنش‌های خاص و محدودکننده را برمی‌انگیزند، احساسات مثبت فرد را قادر می‌سازند تا در انواع مختلف رفتارها و واکنش‌ها شرکت کند. این احساسات همچنین می‌توانند تغییرات شناختی ایجاد کرده و در نهایت بر رفتار فرد تأثیر بگذارند. به‌عبارت دیگر، افراد با تجربه احساسات مثبت، فرصت‌های بیشتری برای کسب منابع فیزیکی، اجتماعی و فکری جدید پیدا می‌کنند. فردریکسون (۲۰۰۰) این فرآیند را به‌عنوان یک ماریپیج رو به بالا می‌بیند که در آن احساسات مثبت نه تنها در کوتاه‌مدت بلکه در بلندمدت نیز توانایی پذیرش و تجربه مثبت‌های بیشتر را تقویت می‌کنند.

در مجموع، احساسات مثبت نه تنها موجب گسترش مجموعه‌های فکری-عملی فرد می‌شوند، بلکه به او کمک می‌کنند تا منابعی برای مقابله با چالش‌های آینده جمع‌آوری کند، به‌طوری که این تغییرات می‌توانند در طول زمان به افزایش سلامت روانی و بهبود کیفیت زندگی منجر شوند.

در سال‌های اخیر نیز تأثیر مثبت کمک به دیگران بر خلق‌وخوی فرد کمک‌کننده، در افکار عمومی، گروه‌های خودیاری و سازمان‌های اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته است. اگرچه ادبیات انگلیسی شواهدی را در مورد ارتباط مثبت بین مشارکت در کمک‌های خیریه و شادی ارائه می‌کند، این شواهد در ادبیات فارسی کم است. در ابتدایی‌ترین سطح، شواهد تصویربرداری مغناطیسی از مغز نشان داده است، دادن پول به خیریه منجر به فعالیت مغز در مناطقی می‌شود که در تجربه لذت و پاداش نقش دارند. ژانگ و همکاران (۲۰۲۱) نیز در بررسی رابطه بین کارهای خیرخواهانه و شادی ذهنی دریافتند مشارکت در کارهای خیر با احساس شادی افراد ارتباط مثبت دارد. این ارتباط در مطالعات لیوبومیرسکی^۴ و همکاران (۲۰۰۴)، دان و همکاران (۲۰۰۸)، بلک و لیوینگ^۵ (۲۰۰۴) نیز بیانگر فواید مشارکت داوطلبانه در امور خیریه در سلامت روانی و رفاه ذهنی افراد (رفاه ذهنی به‌عنوان معیاری برای سنجش میزان شادی استفاده می‌شود)، می‌باشد. نتایج مطالعه جنگ و همکاران (۲۰۲۲) نیز نشان می‌دهد مشارکت در کمک‌های خیریه با بهزیستی روان‌شناختی و به‌ویژه احساس شادی دانش‌آموزان ارتباط مثبت دارد.

از سوی دیگر، بخشی از مطالعات به بررسی رابطه شادی و مشارکت در امور خیریه پرداخته‌اند. یکی از اولین مطالعات تجربی که نشان می‌دهد شادی باعث افزایش مشارکت در امور خیریه می‌شود، مطالعه آيسن و لوین^۶ در سال ۱۹۷۲ است. مطالعه آنان نشان داد شرکت‌کنندگان با کسب تجربه مثبت و خوشایند از برخی رویدادها هرچند به صورت جزئی، بیش از مواقع دیگر به دیگران کمک می‌کردند.

1. Fredrickson

۲. مطالعات داخلی پیرامون مشارکت اجتماعی به صورت کلی و شادی صورت گرفته است. به‌طور مثال در این ارتباط مطالعات امیر مظاهری و فخاریان (۱۳۹۵)، نیازی و شفائی مقدم (۱۳۹۴)، نصرتی نژاد و همکاران (۱۳۹۴)، گنجی و همکاران (۱۳۹۴)، امیرکافی و زارع (۱۳۹۱)، گلایی و اخشی (۱۳۹۲)، اکبرزاده (۱۳۹۰) و شریفی (۱۳۸۵) به بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی و شادی پرداخته است. همچنین، در مطالعات شایان‌فر (۱۳۹۶) و اخشی (۱۳۹۳) رابطه نشاط اجتماعی و مشارکت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. در این میان مقاله گنجی و الماسی (۱۳۹۴) بیانگر رابطه بین نیکوکاری و شادی بوده است.

3. Zhang

4. Lyubomirsky

5. Black and Living

6. Geng

7. Isen and Levin

به عبارت دیگر، افرادی که احساس خوبی داشتند، بیشتر به دیگران کمک می‌کردند. در حالی که اکثر تحقیقات تأثیر شادی بر رفتار اجتماعی را از طریق اثرگذاری بر خلق‌وخوی انسان مورد بررسی قرار داده‌اند، مطالعات اخیر به بررسی تأثیر خلق‌وخوی مثبت بر رفتارهای کمک‌کننده پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، کونوو و ارلی^۱ (۲۰۰۸) و ویلیامز و شیوا^۲ (۱۹۹۹) معتقدند افراد شادتر از احساسات مثبت خود تغذیه می‌شوند بر این اساس، بیشتر در امور خیرخواهانه مشارکت می‌کنند. در این میان، اگرچه مطالعات کمی به بررسی تأثیر موسیقی شاد بر مشارکت در امور خیرخواهانه پرداخته است، اما تحقیقات نشان می‌دهد دو جنبه موسیقی - توانایی آن در برانگیختن احساسات و محتوای شعری آن - ممکن است بر رفتار سخاوتمندانه تأثیر بگذارد (نیلسن، ۲۰۱۵). چندین مطالعه دیگر نیز نشان داده است که افراد با خلق‌وخوی مثبت بیشتر به دیگران کمک می‌کنند و موسیقی ممکن است راه خوبی برای ایجاد احساس شادی در افراد و در نتیجه سخاوتمندی بیشتر شود. (نورث^۳ و همکاران، ۲۰۰۴؛ گریتمیر^۵، ۲۰۰۹؛ جاکوب^۶ و همکاران، ۲۰۱۰؛ کرچنر سپاستین و توماسلو^۷، ۲۰۱۰؛ بریسل - هارویز و مارش^۸، ۲۰۱۴).

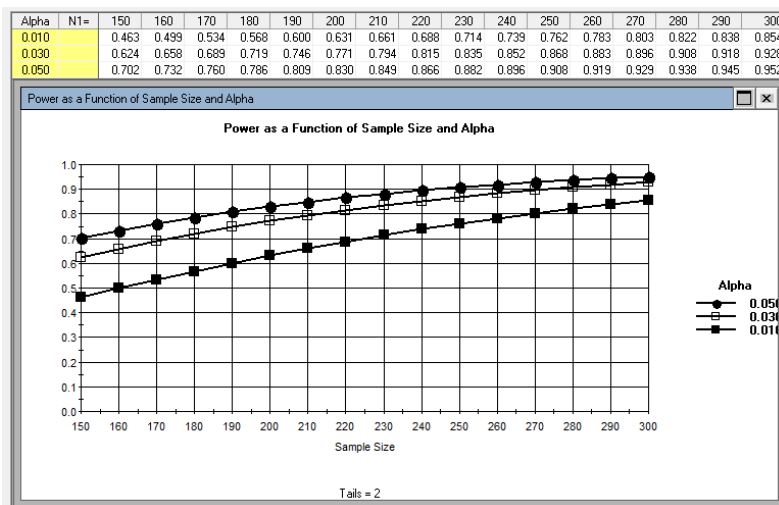
علاوه بر این، در تحقیق حاضر، متغیرهای پایگاه اقتصادی و تمایل به گمنامی نیز به‌عنوان دو عامل کلیدی در مدل مشارکت در امور خیریه و تأثیر آن‌ها بر شادی در نظر گرفته شده‌اند. چرا که، پایگاه اقتصادی افراد نقش مهمی در میزان مشارکت آن‌ها در کمک‌های خیریه دارد. افرادی که وضعیت اقتصادی بهتری دارند، معمولاً قادر به تخصیص منابع بیشتری برای امور خیریه هستند و در نتیجه میزان کمک‌های مالی آن‌ها بیشتر است (فیدیلیتی چارپیل، ۲۰۲۳). همچنین، افرادی که از وضعیت مالی بهتری برخوردارند، تمایل بیشتری به حمایت از سازمان‌های خیریه دارند، چرا که منابع مالی بیشتری برای تخصیص به این امور در اختیار دارند (فیلانترویی روندتیل، ۲۰۲۳). این متغیر کمک می‌کند تا تأثیر پایگاه اقتصادی بر رفتارهای نوع‌دوستانه و میزان مشارکت در امور خیریه در مدل تحقیق بررسی شود.

1 . Konow and Earley
 2 . Williams and Shiaw
 3 . Nielsen
 4 . North, Tarrant & Hargreaves
 5 . Greitemeyer
 6 . Jacob, Guéguen & Boulbry
 7 . Kirschner Sebastian & Tomasello
 8 . Brethel-Haurwitz & Marsh

تمایل به گمنامی در مشارکت‌های خیریه نیز نقشی کلیدی ایفا می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد تمایل دارند کمک‌های خود را به صورت ناشناس انجام دهند، چرا که این امر به حفظ عزت نفس و انگیزه‌های درونی آن‌ها کمک می‌کند (ورچوئوس سافت‌ور، ۲۰۲۳). این تمایل به گمنامی به‌ویژه در شرایطی که افراد ترجیح می‌دهند بدون نمایش عمومی از دیگران کمک کنند، اهمیت دارد (چاری تیز اید فاندیشن، ۲۰۲۴). در مجموع، ترکیب این دو متغیر می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت بیشتر و گسترده‌تر در امور خیریه شود. به‌ویژه زمانی که افراد از انگیزه‌های مالی و درونی برای مشارکت در این امور بهره‌مند می‌شوند، این امر می‌تواند به تقویت رفاه اجتماعی، ایجاد احساس تعلق اجتماعی و در نهایت افزایش احساسات مثبت در افراد منجر شود (فیدیلیتی چارپیل، ۲۰۲۳؛ ورچوئوس سافت‌ور، ۲۰۲۳). به‌طور کلی در حالی که مباحث و تحقیقات فوق به بررسی تأثیر خلق‌وخوی مثبت و منفی بر تمایل افراد به بخشش پرداخته‌اند و بیانگر رابطه یک‌طرفه بین خلق‌وخو و رفتار اجتماعی است، شواهدی نیز وجود دارد که این رابطه را در جهت مخالف بررسی کرده است، یعنی این امر که اعطای کمک از طریق مشارکت در امور خیریه باعث شادی مردم می‌شود. بر این اساس، توجه به نظریه ساخت و بسط احساسات مثبت مبنی بر تداوم نسبی احساسات مثبتی همچون شادی و همچنین، مرور تحقیقات صورت گرفته در ارتباط با اینکه افراد شاد بیشتر در امور خیریه مشارکت می‌کنند و یا اینکه بخشش و مشارکت در امور خیریه باعث شادی می‌شود، منجر به طرح یک سؤال گردید: «آیا یک حلقه بازخوردی مثبت بین شادی و مشارکت در امور خیریه وجود دارد؟» بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف بررسی این موضوع در جامعه آماری موردنظر انجام شده است.

۲- روش‌شناسی

این مطالعه از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری آن شامل کلیه شهروندان بالای ۱۵ سال شهر کاشان می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار Sample Power و بر اساس ماهیت فرضیه (رابطه ای) و یک متغیر مستقل و یک متغیر وابسته تعیین گردید و تعداد ۲۲۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها به‌صورت آنلاین توزیع و جمع‌آوری شدند. خروجی نرم افزار بر اساس پیش‌فرض‌های در نظر گرفته شده به شرح ذیل است:



شکل ۱. محاسبه حجم نمونه آماری با استفاده از نرم افزار Sample Power

با توجه به محدودیت‌های پژوهش، پراکندگی جامعه آماری، شرایط حاکم بر انجام پژوهش (هزینه، زمان، نیروی انسانی، شرایط مکانی و جغرافیایی و ...) و اصل حجم نمونه اولیه نرم‌افزار (که در سطح آلفای ۰,۰۳ و توان ۰,۸۰ حجم نمونه ۲۲۰ موردی را پیشنهاد داده است) پژوهشگر این حجم نمونه را انتخاب نموده است.

ابزار پژوهش شامل یک پرسشنامه محقق ساخته برای سنجش مشارکت در امور خیریه (۱۵ گویه) و مقیاس شادی آکسفورد (۲۹ گویه) بود. پرسشنامه شادی آکسفورد که توسط آرگیل و همکاران (۱۹۹۵) طراحی شده، ابعاد سه‌گانه شادی (احساسی، اجتماعی، شناختی) را با استفاده از طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای ارزیابی می‌کند. روایی محتوای پرسشنامه محقق ساخته توسط متخصصان حوزه جامعه‌شناسی تأیید شده است. پایایی ابزارها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای پرسشنامه مشارکت در امور خیریه $\alpha = 0/876$ و مقیاس شادی آکسفورد $\alpha = 0/921$ نشان‌دهنده همسانی درونی بالای هر دو ابزار بود. این ابزارها به‌طور مؤثری امکان سنجش دقیق متغیرهای پژوهش و آزمون مدل مفهومی را فراهم ساختند.

۳- تحلیل داده‌ها

این مطالعه به بررسی رابطه بین میزان مشارکت در امور خیریه و احساس شادی پرداخته است. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های توصیفی و تحلیلی در نرم‌افزار SPSS تحلیل شده‌اند. توزیع متغیرها و شاخص‌های آماری اولیه شامل میانگین، انحراف معیار و دامنه تغییرات در بخش توصیفی ارائه شده است. به‌منظور آزمون فرضیه‌ها، از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه میان متغیرها استفاده شد. این ضریب به دلیل متقارن بودن، تأکید بر وجود رابطه دوطرفه بین متغیرها دارد.

۳-۱- مشخصات فردی

بر اساس یافته‌های پژوهش، ۳۵/۵ درصد از پاسخگویان را مردان و ۶۴,۵ درصد از آنان را زنان تشکیل می‌دهند. میانگین سنی پاسخگویان $38,79 \pm 11/25$ می‌باشد. سطح تحصیلات ۷/۲ درصد از پاسخگویان سیکل و ابتدایی، ۲۰/۹ درصد دیپلم و فوق دیپلم، ۳۹ درصد لیسانس و ۳۲/۷ درصد فوق لیسانس و دکتری می‌باشد. ۴۲/۷ درصد از پاسخگویان غیرشاغل و ۵۷/۳ درصد شاغل بوده‌اند. همچنین، ۲۱/۸ درصد از آنان مجرد و ۷۸/۲ درصد متأهل می‌باشند.

۳-۲- متغیرهای پژوهش

در جدول زیر توزیع پراکندگی متغیرهای مشارکت در امور خیریه و شادی و ابعاد سه‌گانه آن ارائه گردیده است.

جدول ۱. توزیع پراکندگی متغیرها

شاخص متغیرها	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات	میانگین	انحراف استاندارد
مشارکت در امور خیریه	۱۹	۵۴	۳۵	۳۷/۱۷	۸/۱۷
شادی احساسی	۱۵	۴۹	۳۴	۳۶/۱۹	۷/۳۶
شادی اجتماعی	۱۴	۳۶	۲۲	۲۶/۰۳	۵/۲۰
شادی شناختی	۱۰	۲۸	۱۸	۱۹/۳۸	۳/۸۲
شادی	۴۶	۱۱۳	۶۷	۸۱/۶۰	۱۴/۴۸

مطابق با یافته‌ها، میانگین نمرات مشارکت شهروندان در امور خیریه ۳۷/۱۷ با انحراف استاندارد ۸/۱۷ است. همچنین، میانگین میزان شادی در بین افراد مورد بررسی ۸۱/۶۰±۱۴/۴۸ می‌باشد. در بخش بعدی جهت آزمون فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه دیالکتیکی بین میزان مشارکت در امور خیریه و احساس شادی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. لازم به ذکر است که ضریب همبستگی پیرسون یک ضریب متقارن است و در اجرا تفاوتی نمی‌کند کدام یک از متغیرها را مستقل و کدام یک را وابسته فرض کنیم. به عبارت دیگر $r_{xy} = r_{yx}$.

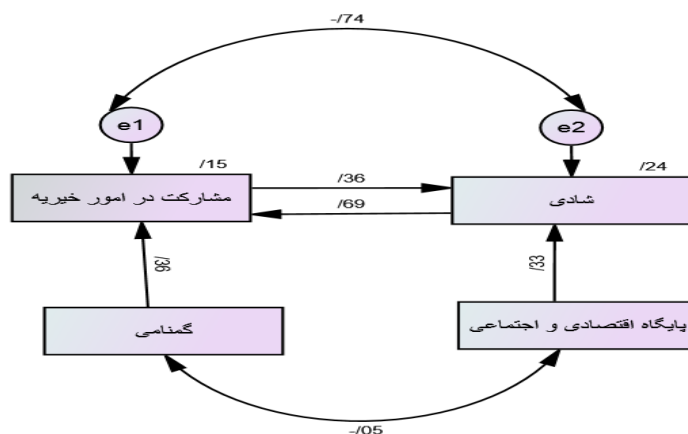
جدول ۲. نتایج ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین مشارکت در امور خیریه و احساس شادی

شادی	شادی شناختی	شادی اجتماعی	شادی احساسی	
۰/۳۵۹	۰/۳۷۸	۰/۲۴۶	۰/۳۳۵	r
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	Sig

بر اساس یافته‌های جدول فوق، بین میزان مشارکت در امور خیریه و احساس شادی و ابعاد سه‌گانه آن رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. شدت همبستگی بین این دو متغیر $r = 0/359$ می‌باشد. در این میان، شدت همبستگی میزان مشارکت در امور خیریه و شادی شناختی بیش از ابعاد دیگر است.

۳-۳- معادله ساختاری رابطه بین متغیرها

در این بخش، با توجه به مباحث نظری و تجربی مبنی بر رابطه دوطرفه مشارکت در امور خیریه و احساس شادی، به بررسی این رابطه بازگشتی پرداخته شده است.



Stability index for the following variables is /247

شکل ۲ مدل مفهومی بازگشتی روابط بین متغیرها^۱

همان طور که جدول زیر نشان می‌دهد، ضریب همبستگی به دست آمده میان همه متغیرهای حاضر در مدل مفهومی معنادار می‌باشد.

جدول ۳. مقادیر برآورد استاندارد بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	Estimate	S.E.	C.R.	P
شادی <--- پایگاه اقتصادی و اجتماعی	5/676	1/171	4/847	***
مشارکت در امور خیریه <--- گمنامی	2/897	۰/۵۲۷	5/499	***
شادی <--- مشارکت در امور خیریه	۰/۶۳۹	۰/۲۱۷	2/938	۰/۰۰۳
مشارکت در امور خیریه <--- شادی	۰/۳۸۷	۰/۰۸۰	4/838	***

تأکید اصلی در مدل مفهومی فوق، توجه به تأثیرات غیرمستقیم متغیرهای مشارکت در امور خیریه و شادی بر یکدیگر است که نتایج خروجی مدل بازگشتی در جدول زیر بیانگر اثر متقابل یا دوسویه^۲ دو متغیر می‌باشد.

جدول ۴. تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها بر یکدیگر

اثرات	متغیرها	گمنامی	پایگاه اقتصادی و اجتماعی	مشارکت در امور خیریه	شادی
کل	مشارکت در امور خیریه	۰/۴۸۱	۰/۳۰۱	۰/۳۲۹	۰/۹۱۲
	شادی	۰/۱۷۴	۰/۴۳۹	۰/۴۷۹	۰/۳۲۹
مستقیم	مشارکت در امور خیریه	۰/۳۶۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۸۶
	شادی	۰/۰۰۰	۰/۳۳۰	۰/۳۶۰	۰/۰۰۰
غیرمستقیم	مشارکت در امور خیریه	۰/۱۱۹	۰/۳۰۱	۰/۳۲۹	۰/۲۲۶
	شادی	۰/۱۷۴	۰/۱۰۹	۰/۱۱۸	۰/۳۲۹

برآورد اثرات دوسویه با داده‌های مقطعی نیازمند برقرار بودن مفروضه تعادل یا شاخص ثبات می‌باشد (کاپلان^۳ و همکاران، ۲۰۰۱). شاخص ثبات در رابطه فوق برابر با ۰/۲۴۷ می‌باشد. کمتر از ۱ بودن این شاخص، بیانگر برقراری مفروضه تعادل می‌باشد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه دوسویه و بازخوردی بین مشارکت در امور خیریه و احساس شادی بوده است. یافته‌ها نشان داد که بین مشارکت در امور خیریه و احساس شادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به‌طور خاص، شدت همبستگی بین مشارکت در امور خیریه و ابعاد شادی (احساسی، اجتماعی و شناختی) به ترتیب $r=0.359$ برای شادی کلی و $r=0.378$ برای شادی شناختی بیشتر از سایر ابعاد بوده است. این نتایج با نظریه‌های نوع‌دوستی و مدل‌های مرتبط با احساسات مثبت (فردریکسون، ۲۰۰۴) هماهنگی دارد. بر اساس یافته‌ها، افراد شادتر نه تنها تمایل بیشتری به مشارکت در امور خیریه دارند، بلکه

۱. به منظور رفع وضعیت فرومختص بودن مدل در حالت بازگشتی، دو متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی و تمایل به گمنامی در کمک‌های خیریه با سطح سنجش فاصله ای که از متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق مبنای مقاله حاضر می‌باشد، در مدل قرار داده شده است.

2. Reciprocal / Bidirectional
3. Kaplan

این مشارکت به نوبه خود موجب افزایش احساس شادی در آن‌ها می‌شود. این یافته‌ها حاکی از وجود یک حلقه بازخورد مثبت بین دو متغیر است، به طوری که این چرخه می‌تواند به پایداری شادی و تداوم رفتارهای نوع‌دوستانه در جامعه منجر شود. از سوی دیگر، برخی از نتایج با پژوهش‌های پیشین تفاوت‌هایی را نشان دادند؛ به‌عنوان مثال، تأثیر تمایل به گمنامی بر رفتار خیرخواهانه در این مطالعه از اثرات مستقیم پیش‌بینی شده در مدل‌های کلاسیک نوع‌دوستی فراتر رفت. این امر ممکن است به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه آماری باشد که نیاز به مطالعات بیشتر دارد. همچنین، برخلاف برخی مطالعات که اثرات مثبت موسیقی را بر رفتار خیرخواهانه بررسی کرده‌اند (نورث و همکاران، ۲۰۰۴)، این پژوهش به بررسی اثرات احساسات مثبت در یک بافت اجتماعی متفاوت تمرکز داشته و این نقطه قوت دیگری است.

علاوه بر این، این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های قبلی که نشان می‌دهند کمک به دیگران و مشارکت در امور خیریه باعث افزایش سطح شادی فرد می‌شود، همسو است (ژو و همکاران، ۲۰۲۰؛ وو و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین، همان‌طور که در تحقیق آکنین و همکاران (۲۰۱۵) مطرح شده، مشارکت در امور خیریه نه تنها منجر به افزایش احساس خوشبختی می‌شود، بلکه موجب تقویت روابط اجتماعی و حس همبستگی در فرد می‌گردد.

از سوی دیگر، این مطالعه همچنین بر تأثیرات دوسویه و بازگشتی بین مشارکت در امور خیریه و شادی تأکید دارد، که در پژوهش‌های پیشین کمتر به این بعد پرداخته شده است. در این پژوهش، اثرات گمنامی و پایگاه اقتصادی در مشارکت‌های خیریه به‌عنوان عواملی کلیدی شناسایی شده‌اند، که این امر ممکن است از نتایج مطالعه ورچوئوس سافت‌ور (۲۰۲۳) و فیلیدی چاریبل (۲۰۲۳) تبعیت کند که بر تأثیر این عوامل در تصمیم‌گیری‌های خیرخواهانه تأکید دارند.

همچنین، نتایج این مطالعه با برخی پژوهش‌های دیگر که بیانگر تأثیرات معکوس این رابطه هستند، ناهمسو است. برای مثال، در تحقیق آنیک و همکاران (۲۰۰۹) بر این نکته تأکید شده که افراد شادتر معمولاً در امور خیریه مشارکت بیشتری دارند، در حالی که مطالعه حاضر، برخلاف برخی انتظارات، تأثیر متقابل شادی و کمک‌های خیریه را تأیید می‌کند.

در مجموع، بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت انسان‌ها به‌طور ذاتی نیازمند تعاملات اجتماعی و عاطفی هستند. این تعاملات در ایجاد احساس خوشبختی و رضایتمندی فردی نقش کلیدی دارند. به گفته‌ی ارسطو، «خوشبختی واقعی در گرو کمک به دیگران است»، و به‌طور مشابه، آدام اسمیت (۱۷۹۰) معتقد است که برای دستیابی به خوشبختی، ابتدا باید در اندیشه‌ی خوشبخت کردن دیگران باشیم. در واقع، احساس رضایت و شادی از کمک به دیگران می‌تواند به‌عنوان یک محرک قوی برای ایجاد تعاملات اجتماعی بیشتر عمل کند.

بر اساس نظریه‌های روان‌شناختی، تعاملات مثبت و انجام کارهای خیرخواهانه، از جمله مشارکت در امور خیریه، نه تنها منجر به شادی فردی می‌شود، بلکه این شادی به‌نوبه خود موجب افزایش تمایل افراد به مشارکت‌های بیشتر می‌شود. این پدیده، به‌ویژه زمانی که فرد به‌صورت ناشناس به دیگران کمک می‌کند، می‌تواند به حفظ عزت نفس و تقویت احساس خوب نسبت به خود منجر شود (ورچوئوس سافت‌ور، ۲۰۲۳). در حقیقت، این مشارکت‌ها نه تنها از جنبه‌های عاطفی فردی بهره‌مند می‌شوند، بلکه به تقویت روابط اجتماعی و ایجاد احساسات مثبت در جامعه نیز کمک می‌کنند (فیلیدی چاریبل، ۲۰۲۳).

شواهد بسیاری نشان داده‌اند که اعمال خیرخواهانه موجب ایجاد حس رضایت در افراد می‌شود. در واقع، پروین اعتصامی نیز در اشعار خود به این نکته اشاره کرده است که «خرم آن کس که در این محنت‌گاه، خاطری را سبب تسکین است». این احساس تسکین و رضایت از خود، یکی از انگیزه‌های اصلی برای انجام کارهای خیریه است. به‌عنوان مثال، مشارکت در امور خیریه باعث می‌شود فرد احساس کند که در تغییر شرایط زندگی دیگران نقش دارد و این امر به تقویت روحیه و احساس توانمندی می‌انجامد. همچنین، سعدی شیرازی در گلستان خود بیان می‌کند: "یکی خار پای یتیمی بکند / به خواب اندرش دید صدر خُجند همی گفت و در روضه‌ها می‌چمید / کز آن خار بر من چه گل‌ها دمید" این بیت، به‌طور خاص به تأثیرات مثبت اعمال خیرخواهانه اشاره دارد که نه تنها بر گیرنده بلکه بر انجام‌دهنده نیز اثرگذار است.

در نهایت، محدودیت‌های این مطالعه شامل استفاده از داده‌های مقطعی است که نمی‌تواند رابطه بین مشارکت در امور خیریه و شادی را به‌طور قطعی اثبات کند. همچنین، با توجه به محدودیت‌های نمونه از نظر تنوع فرهنگی و اقتصادی در جامعه آماری، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده از نمونه‌های متنوع‌تری استفاده شود تا نتایج قابل تعمیم‌تری به‌دست آید.

همچنين، پيشنهاد مي‌شود كه مؤسسات خيريه در راستاي ارتقاء مشاركت‌هاي خيرخواهانه، توجه بيشتري به احساسات مثبت و ايجاد انگيزه‌هاي عاطفي داشته باشند. استفاده از شعارهاي نظير «اهدای خون يك نياز دائمي است كه خوشنودي و شادي فوري به همراه دارد» مي‌تواند باعث شود كه افراد بيشتري در فعاليت‌هاي خيريه مشاركت كنند و اين روند به يك چرخه‌ي بازخورد مثبت منتهي گردد. علاوه بر اين، پيشنهاد مي‌شود مطالعات آينده از روش‌هاي طولی برای بررسی پایداری این روابط در طول زمان استفاده کنند. همچنين، بررسی نقش متغیرهای تعديل‌کننده مانند عوامل فرهنگي و اثرات محيطي بر رفتارهاي خيرخواهانه مي‌تواند به درك بهتري از اين حوزه كمك كند. طراحي برنامه‌هايي برای تقويت احساسات مثبت در بستر مشاركت‌هاي اجتماعي و خيريه مي‌تواند تأثيرات عملي و کاربردي برای سياست‌گذاري اجتماعي به همراه داشته باشد. در نهايت، نتايج اين پژوهش بر اهميت تقويت رفتارهاي نوع‌دوستانه و خيريه برای ايجاد جوامعي شادتر و همبسته‌تر تأکيد مي‌کند.

۵- تشکر و قدردانی

نویسنده بر خود فرض می‌داند از کلیه پاسخگویان به پرسشنامه مورد استفاده تشکر و قدردانی نماید.

۶- مراجع

- Aknin, L. B., Broesch, T., Hamlin, J. K., & Van de Vondervoort, J. W. (2015). Prosocial behavior leads to happiness in a small-scale rural society. *Journal of Experimental Psychology: General*, 144(4), 788-795. <https://doi.org/10.1037/xge0000082>
- Aknin, L. B., Dunn, E. W., & Norton, M. I. (2022). The role of generosity in human well-being: A study on the effects of prosocial behavior. *Psychological Science*, 33(5), 774-786.
- AmirKafi, M., & Zare, B. (2013). Examining the impact of social capital on happiness (Case study: Kerman City). *Social-Cultural Strategy*, (5), 41-78. (in Persian)
- Andreoni, J. (1989). Giving with impure altruism: Application to charity and Ricardian equivalence. *The Journal of Political Economy*, 97, 1447-1458.
- Andreoni, J. (1990). Impure altruism and donations to public goods – a theory of warm glow giving. *Economic Journal*, 100, 464-477.
- Anik, L., Aknin, L. B., Norton, M. I., & Dunn, E. W. (2009). Feeling good about giving: The benefits (and costs) of self-interested charitable behavior. *Harvard Business School Marketing Unit Working Paper No. 10-012*.
- Black, W., & Living, R. (2004). Volunteerism as an occupation and its relationship to health and well-being. *British Journal of Occupational Therapy*, 67, 526-532. <https://doi.org/10.1177/030802260406701202>
- Brethel-Haurwitz, K. M., & Marsh, A. A. (2014). Geographical differences in subjective well-being predict extraordinary altruism. *Psychological Science*, 25(3), 762-771. <https://doi.org/10.1177/0956797613516148>
- Charities Aid Foundation. (2024). *World Giving Index 2024*. <https://www.cafonline.org>
- Degli Antoni, G., & Vittucci Marzetti, G. (2022). Estimating the effect on happiness through question randomization: An application to blood donation. *Social Science & Medicine*.
- Dickert, S., Sagara, N., & Slovic, P. (2011). Affective motivations to help others: A two-stage model of donation decisions. *Journal of Behavioral Decision Making*, 24(4), 361-376. <https://doi.org/10.1002/bdm.697>
- Dunn, E. W., Aknin, L. B., & Norton, M. I. (2008). Spending money on others promotes happiness. *Science*, 319, 1687-1688.
- Fidelity Charitable. (2023). *Giving USA 2023*. <https://www.fidelitycharitable.org>
- Fredrickson, B. L. (2000). Cultivating positive emotions to optimize health and well-being. *Prevention & Treatment*, 3(1), Article 1.
- Fredrickson, B. L. (2001). The role of positive emotions in positive psychology: The broaden and build theory of positive emotions. *American Psychologist*, 56, 218-226.
- Ganji, M., & Almasi Bidgeli, E. (2012). Explaining the status of philanthropy among Kashan citizens. *Proceedings of the National Conference on Endowment (with an Emphasis on Higher Education)*, Kashan University, 907-934. (in Persian)
- Ganji, M., Niazi, M., & EhsaniFar, F. (2015). Participation in charity and endowment: A prelude to sustainable development. *Year* 3(4), 25-45. (in Persian)
- Geng, Y., Chen, Y., Huang, C. C., Tan, Y., Zhang, C., & Zhu, S. (2022). Volunteering, charitable donation, and psychological well-being of college students in China. *Frontiers in Psychology*, 12. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.790528>
- Golabi, F., & Akhshi, N. (2013). Social participation and social vitality. *Applied Sociology*, 24(3), 139-160. (in Persian)

- Greitemeyer, T. (2009). Effects of songs with prosocial lyrics on prosocial behavior: Further evidence and a mediating mechanism. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 35(11), 1500–1511. <https://doi.org/10.1177/0146167209341648>
- Isen, A. M., & Levin, P. F. (1972). The effect of feeling good on helping: Cookies and kindness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 21, 384-388.
- Jacob, C., Guéguen, N., & Boulbry, G. (2010). Effects of songs with prosocial lyrics on tipping behavior in a restaurant. *International Journal of Hospitality Management*, 29(4), 761–763. <https://doi.org/10.1016/j.ijhm.2010.02.004>
- Kaplan, D., Harik, P., & Hotchkiss, L. (2001). Cross-sectional estimation of dynamic structural equation models in disequilibrium. In R. Cudek, S. Du Toit, & D. Sorbom (Eds.), *Structural equation modeling, present and future: A festschrift in honor of Karl Jöreskog* (pp. 315–340). Lincolnwood, IL: Software International.
- Kirschner, S., & Tomasello, M. (2010). Joint music making promotes prosocial behavior in 4-year-old children. *Evolution and Human Behavior*, 31(5), 354–364. <https://doi.org/10.1016/j.evolhumbehav.2010.04.004>
- Konow, J., & Earley, J. (2008). The hedonistic paradox: Is homo economicus happier? *Journal of Public Economics*, 92, 1-33.
- Mazaheri, A., & Fakharian, M. (2016). The role of social capital in youth happiness (Case study: Students of the Faculty of Psychology and Social Sciences, Tehran Markaz). *Sociological Studies*, 9(33), 7-24. (in Persian)
- Niazi, M., & Shafaei-Moghaddam, E. (2015). Explaining the relationship between social participation and happiness among students. *Research project report, Kashan University*. (in Persian)
- Philanthropy Roundtable. (2023). *Charitable Giving in 2023: A Year of Resilience and Recovery*. <https://www.philanthropyroundtable.org>
- Rowland, L., & Curry, O. S. (2018). A range of kindness activities boost happiness. *Journal of Social Psychology*, 159(3), 340–343. <https://doi.org/10.1080/00224545.2018.1469461>
- Sharifi, K. (2006). Assessing the level of vitality among students of Kashan University of Medical Sciences and its related factors. *Research project, Kashan University of Medical Sciences*. (in Persian)
- Shayanfar, Z. (2017). The sociological effects of social vitality on the level of citizen participation in urban affairs (Case study: Citizens aged 18-64 in Bandar Abbas). *Master's thesis, Sociology, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch*. (in Persian)
- World Happiness Report. (2023). *World Happiness Report 2023: Findings from the global survey of happiness*. Sustainable Development Solutions Network.